

پشتیبانی جمعی از فعالین سیاسی کرد از 'انتقاد دموکراسی خواهان آذربایجان از بیانیه "برای ایران"'

دوستان گرامی

ما جمعی از کردهای فعال در جنبش آزادیخواهانه و پیشرو مردم کردستان ایران، پشتیبانی خود را از کلیت نقد تحلیلی و مستدل بیانیه "برای ایران" اعلام میداریم.

از جمله دستاوردهای خیزش ژینا، افشای کوهی از رسوبات عقب‌ماندگی فکری و بداندیشانه لانه کرده در میان بخش‌هایی از باصلاح‌اپوزیسیون جمهوری اسلامی است که عمیقاً آلوده به جمود فکری و تفرقه‌افکنی، و نماد کامل شوینیسیم در همه ابعاد و اشکال شناخته شده آن می‌باشد.

با توجه به این واقعیت تلخ، کار بزرگ ما هم اکنون و پس از پایان محتوم جمهوری اسلامی، همفکری و همگامی در راستای دست یافتن به اهداف مشترکمان است. در تاریخ معاصر ایران ما شاهد نمونه‌های موفق تبادل نظر، همکاری و مبارزات مشترک ملل آن، از جمله کردها و آذربایجانی‌ها بوده، تداوم این همگامی‌ها نویدبخش آینده‌ای امیدوارکننده‌تر برای همگان است.

جا دارد سایر ملیتهای ایران، عرب، بلوچ، لر، ترکمن و...، به علاوه همه آزادیخواهان و آزاداندیشان ایرانی، با حمایت از بیانیه تحلیلی و انتقادات شما جوابی شایسته به این مدعیان ایران دوستی بدهند.

پویا و پاینده باد همبستگی و همدلی مشترک ملیت‌های ایران!

امضاء:

۱. طاهر برهون ۲- جمیله رحیمی ۳- دکتر کامران امین آوه ۴- طاهر علی‌یار ۵- کریم ایلخانی‌زاده ۶- سالار حیدری ۷- یحیی دونداری ۸- رحیم امینی ۹- محمد علی‌یار ۱۰- شورش بهروز ۱۱- رحمان خوش ابرو ۱۲- طوبی مرادیگی ۱۳- پرشنگ فتحی ۱۴- گوران لهونی ۱۵- حسین کرمانج ۱۶- رشید احمدی ۱۷- سعید آقایی ۱۸- گلاویژ عبدالله زاده ۱۹- جمیل میرکائی ۲۰- یوسف پری ۲۱- صلاح قاضی ۲۲- حمزه احمدی ۲۳- رسول مینایی ۲۴- رشید قاضی ۲۵- گلی خرمی ۲۶- ابراهیم حسینی ۲۷- خوشناو قاضی ۲۸- رسول عزیزان ۲۹- علی پیام ۳۰- آکو الیاسی ۳۱- کزوان نصیری ۳۲- خلیل بهرامی ۳۳- ژیوار قاضی ۳۴- کریم بابکری ۳۵- بیان نوری ۳۶- جمشید گرجی ۳۷- زیور تابناک ۳۸- بهمن علی‌یار ۳۹- پروانه پایان ۴۰- رضا رسولپور ۴۱- افشین طاهری ۴۲- دکتر همایون شعبانی ۴۳- صدیق بابایی ۴۴- خلیل حواری نسب ۴۵- اسعد اعظمی ۴۶- جمال زارع ۴۷- یدالله بلدی ۴۸- دکتر عبدالله ابراهیم زاده ۴۹- امیر لطف الله نژادیان ۵۰- آریز داراب پور ۵۱- زیبا طوفانی ۵۲- فرهاد سارائی ۵۳- احمد حسینی ۵۴- نجم الدین یخچالی ۵۵- علی عثمانی

انتقاد دموکراسی خواهان آذربایجان از بیانیه «برای ایران»

بیانیه تحلیلی جمعی از دموکراسی خواهان آذربایجان پیرامون «بیانیه برای ایران»

۱۴۰۲/۰۱/۳۱

- زن، زندگی، آزادی؛ عاملیت ملی ملت‌های ایران

از زمان آغاز خیزش «زن، زندگی، آزادی» تغییر و تحولاتی بی‌سابقه در سپهر سیاسی و اجتماعی ایران رخ داده است. این تغییر و تحولات که با نقش‌آفرینی بی‌واسطه مردم و در رأس آن زنان، نسل جوان و ملت‌های ایران رقم خورده، موجب شده تا بسیاری از جریان‌های سیاسی برای همراهی با این موج مشروع از مطالبات فراگیر مردمی، در پاره‌ای از مواضع و مبانی سیاسی‌شان تجدیدنظر کنند؛ که بیانیه اخیر میرحسین موسوی از آن جمله است.

یکی از مهم‌ترین این تحولات، همگرایی خودآگاه ملت‌های مختلف ایران با یکدیگر است که در عین تکثر، تنوع و تفاوت‌های فراوان با غلبه بر موانع تفرقه‌افکنانه توانسته تا به شکلی فراگیر، ملی و حتی بین‌المللی متجلی شود. تحولی تاریخی که نشان از تحقق امر ملی با عاملیت ملت‌های ایران و بی‌میانجی مرکز دارد. حال روزی کردستان، روزی آذربایجان، روزی بلوچستان، روزی خوزستان و... زبان گویای ایران است و کرد، ترک، بلوچ، عرب، گیلک، فارس، تورکمن، لر، قشقایی، بختیاری و... هر کدام سهمی از پیکر زخم‌خورده وطن را بر دوش می‌کشند.

با این حال جریان‌های مرکزگرا و ملی‌گرای افراطی از این تجربه تاریخی جدید برای ایران و آینده آن برآشفته‌اند؛ چرا که ملت‌های ایران در طی خیزش اخیر عملاً نشان دادند که انحصار امر ملی صرفاً در چنبره‌ی مرکز نیست؛ واقعیتی که بیش از هر چیز، مرجعیت و مشروعیت این جریان‌های سیاسی تمامیت‌خواه را به‌چالش جدی کشیده است.

- بیانیه «برای ایران» انحصارطلبی مرکز بر امر ملی

حال در این اثنا بیانیه‌ای با عنوان «بیانیه جمعی از فعالان سیاسی و مدنی میهن‌دوست و آزادی‌خواه ایران» منتشر شده که نه تنها در آن نشانه‌ای از همراهی با هم‌خوانی زیبای بنای وطن در «از زاهدان تا تبریز/ فقر، فساد و تبعیض» به گوش نمی‌خورد، بلکه با ادبیاتی غیردموکراتیک، تبعیض و نابرابری علیه ملت‌های ایران انکار شده است و کسانی که از این واقعیت آشکار سخن گفته‌اند، از طرف فعالان سیاسی مرکز «مخالفان ضد ملی» خوانده شده‌اند!

این بیانیه با رویکردی باستان‌گرایانه و ذات‌انگارانه ریشه‌های تاریخی دولت - ملت نوین ایرانی را به ۵۰۰ سال قبل و صفویه ارجاع می‌دهد تا نشان دهد حاکمیت در ایران هیچ‌گاه بر عنصر «قومیت» متکی نبوده و ما در ایران مسئله قومی نداشته‌ایم؛ و در پشت کلی‌گویی‌هایی نظیر شعار «ایران برای همه ایرانیان» پنهان می‌شود تا واقعیت تبعیض‌اتنیکی را انکار کند؛ و در نهایت طبق سناریویی آشنا ریشه‌های این مسئله را به بیگانگان ارتباط دهد.

متن بیانیه تقریری ناشیانه از نظریه‌ی منسوخ یک دولت، یک ملت، یک زبان است و از همین رو در آن، پایه‌های یکپارچگی ملی و تمامیت ارضی بر دو اصل تک‌زبانی و تمرکزگرایی استوار است. اگرچه در بیانیه از «حق آموزش زبان مادری» و احترام به زبان و فرهنگ‌های بومی سخن رفته، اما در کنار آن، موقعیت برتر و انحصاری فارسی به‌عنوان زبانی فراقومی و ضامن وحدت ملی تثبیت شده است. فارسی، زبان رسمی، ملی، تاریخی و میانجی ایرانیان نام گرفته که حذف آن نه شدنی است و نه قابل قبول! «حق آموزش به زبان مادری» هم با این استدلال که به حذف زبان فارسی و تهدید علیه یکپارچگی ملی می‌انجامد، مورد مخالفت نویسندگان بیانیه قرار گرفته است.

بیانیه، ملت ایران را واحد و یکپارچه می‌خواند و از این یکپارچگی، نفی کثیرالملله بودن ایران را نتیجه می‌گیرد! در این متن، اگرچه واقعیت توسعه نامتوازن را در ایران پذیرفته‌اند اما بلافاصله این معضل به ضرورت‌های حکمرانی، سوءمدیریت حکومت‌های اخیر و تبعیض مذهبی، به‌خصوص در حق اهل سنت، ارتباط یافته، تا تبعیض اتنیکی به کلی حذف شود. با این اوصاف، تمرکزگرایی به جای آن که به‌عنوان یکی از عوامل اصلی این تبعیض رد شود، به‌عنوان مدل مطلوب حکمرانی آینده ایران مطرح شده؛ جایی که در آن «دولت مرکزی» و «حکومت مرکزی یکپارچه» با رعایت حقوق شهروندی، به‌زعم آن‌ها، خواهد توانست تا بر توسعه نامتوازن فائق بیاید.

- آذربایجان و ملّیت‌های ایران؛ پرچمدار ایران متکثر و غیرمتمرکز

ما به‌عنوان جمعی از دموکراسی‌خواهان آذربایجان مخالفت صریح خود را با مواضع بیانیه‌ی «برای ایران» اعلام می‌کنیم. اگرچه برای ما مشخص نیست که این بیانیه براساس چه ضرورتی و چه احساس تهدیدی برای تمامیت ارضی صادر شده، با این حال مفاد آن را برخلاف اصول دموکراتیک و تبلور روح تمامیت‌خواهی مرکز‌گرایان می‌دانیم.

در این بیانیه، مسئله تبعیض و نابرابری اتنیکی انکار شده و پاره‌ای از مهم‌ترین مطالبات آن‌ها در زمره‌ی اصول و خطوط قرمز لاینغیر و غیرقابل‌بحث قرار گرفته‌اند. واقعیت این است که ایران کشوری کثیرالملله و متشکل از زبان، فرهنگ و ملیت‌های مختلف فارسی، ترک، کرد، عرب، بلوچ، ترکمن و... است. با توجه به این واقعیت، ما ضمن رد خطوط قرمز بیانیه، راهکارهای آن را هم فاقد ارزشی راهبردی برای ایران می‌دانیم. از نظر ما، محوریت تک‌زبانگی و تمرکزگرایی در بیانیه، به‌معنای مهر تایید بر سیاست‌های کلان حکومت‌های یک‌صد سال اخیر در ایران است؛ و در تاکید بر روی استمرار آن‌ها برای آینده ایران، سایه‌روشن‌های ظهور یک اقتدارگرایی جدید می‌بینیم.

از نگاه ما، زن در شعار «زن، زندگی، آزادی» نماد تمام اقلیت‌های سرکوب شده است. چه اقلیت جنسی/جنسیتی و اقلیت‌های ملی، چه اقلیت مذهبی و... بنابراین این شعار مطالباتی فراتر از تبعیض مذهبی و جنسی را نمایندگی می‌کند و محافظه‌کارانه، همچون قرائت این میهن‌دوستان تمامیت‌خواه، در سطح سرکوب جنسی و مذهبی پایان نمی‌یابد. از همین رو، مطالبات ملیت‌های ایران در خلال خیزش اخیر به‌شکل ملی، دموکراتیک و متجلی شده؛ تا جایی که حتی مسیر بیان مطالبات زنان، جوانان، اصناف و طبقات و فرودستان را هم گشوده است.

تحت تاثیر این تحول، بخش عمده‌ای از جامعه ایران، حتی در مرکز هم، همدلانه با مطالبات ملیت‌های ایران برخورد کرده‌اند تا فرصتی تاریخی برای ایجاد همگرایی ملی فراهم شود. اما فعالان سیاسی مرکز نه تنها این فرصت را قدر ندانسته‌اند، بلکه آن را تهدید

خواننده‌اند! در حالی که همه‌ی ما می‌دانیم آن‌چه در طی چندماه اخیر، در معرض تهدید جدی قرار گرفته خودکامکی در اشکال مختلف آن بوده، نه تمامیت ارضی و یکپارچگی این سرزمین!

حال که امر ملی این‌گونه فراگیر شده و از انحصار مرکز و مرکز‌گرایان درآمده، ما از نخبگان سیاسی و روشنفکران مرکز دعوت می‌کنیم تا با این واقعیت کنار بیایند و فضا را برای گفت‌وگو و مفاهمه در این‌باره بگشایند. معتقدیم که دیگر نمی‌توان با منطق انکار و سرکوب بر واقعیت نابرابری و تبعیض علیه ملیت‌های ایران سرپوش گذاشت، چراکه ملیت‌های ایران، انکار مرکز را پشت سر گذاشته‌اند. اکنون نوبت مرکز است که گامی به‌جلو بردارد و به این ائتلاف فراگیر از ملیت‌های ایرانی بپیوندد؛ نه از جایگاهی برتر و بالا، بلکه از موضع برابر، دوشادوش و کنار آن‌ها.

ما دموکراسی‌خواهان آذربایجان با ارجاع به بیانیه نه ماده‌ای مان با عنوان «پیرامون معضلات جامعه ایران و مبانی گذار از آن»، پایان تک‌زبانگی و تمرکززدایی به‌شکل فدرالیسم را بخشی از ملزومات اصلی برقراری یک حاکمیت دموکراتیک و عاری از تبعیض و نابرابری در ایران می‌دانیم و هیچ عذر و بهانه‌ای، در جهت عدم اجرای این اصول را نمی‌پذیریم. از نگاه ما، این دو اصل، نه تنها با تمامیت ارضی ایران تنافر ندارد، بلکه اجرایی‌سازی آن‌ها را عاملی در جهت تقویت همگرایی ملی و یکپارچگی سرزمینی ایران می‌دانیم. چنان‌چه حق آموزش به زبان مادری گامی مهم است برای لغو امتیازاتی که یک ملیت و فرهنگ از آن برخوردارند و ملیت‌های دیگر ایران به ناحق از آن محروم‌اند، و تا وقتی که این حق اساسی محقق نشود، نمی‌توانیم به برقراری عدالت و آزادی در ایران امیدوار باشیم.

آذربایجان در تاریخ معاصر ایران، پیشرو تمرکززدایی از ساختار حکومتی است که اولین بار در دوران مشروطه، در قالب طرح انجمن‌های ایالتی و ولایتی در متمم قانون اساسی مشروطه جا گرفت. شکست مشروطه به یک معنا شکست ایده و ایده‌آل ایران متکثر و غیرمتمرکزی بود که آذربایجان سردمدار آن بود. پس از آن، الگوی ایران غیرمتکثر و متمرکز در استبداد رضاخانی متبلور شد که یکی از میراث‌های شوم آن برای ایران، دولت یکپارچه و اقتدار‌گرایی مرکزی است. با این حال، آذربایجان کماکان بر سر آرمان حاکمیت ملی دموکراتیک پابرجا ایستاده و با توجه به ظرفیت‌های سیاسی‌اش هنوز هم می‌تواند در تبلور ایران متکثر و غیرمتمرکز نقش بسزایی داشته باشد.

دموکراسی تلاش برای تغییر مناسبات جهت رفع هرگونه نابرابری و تبعیض جنسیتی، دینی، مذهبی، طبقاتی، قومی - اثنیکی و... و برقراری حقوق برابر انسانی برای افراد جامعه فارغ از دین، مذهب، ملیت، جنسیت و طبقات و... است.

در پایان یادآور می‌شویم اندیشه دموکراسی‌خواهی آذربایجان خود را منفک از دموکراسی‌خواهی دیگر ملیت‌های ایران نمی‌داند و ازین‌رو همه‌ی دموکراسی‌خواهان ایران را برای تحقق آینده‌ای بهتر به همگرایی بیشتر دعوت می‌کند.

امضاء کنندگان:

اکبر آزاد - عباسعلی آزادی - مهدی آقازاده - صمد آوای خوش قشقایی - مهدیه آهنی - حسین احمدزاده هرگلی - علیرضا ارشادی‌فرد - حسن ارک - چنگیز ارواح‌زاده - اصغر اسدی - محمد الفت - پوریا امجدی - نوید امن‌زاده قیچاق - مسعود اورنگ - یوسف ایمان‌پور - میراحمد براری - رضا بشارتی - دلدار بناب - صفیه بهاری - عباس پوراطهری - محمد پورحسن - اسفندیار پیفون - ناصر تیموری - حسن ثمودی - الیاس جبرائیل‌زاده - بهرام جوادی - سیدجلال چاوشی - محمد چاوشیان - سعید چلیبانی - رضوان حاجی‌قاسملو (جانای) - فواد حسن حسین - عظیم حسن‌زاده - شاهین حسنی - سیدمرتضی حسینی - مهدی حمیدی

شفیق - حجت حیدری (ائلیار پولاد) - رضا دادیزاد - محمد داورنیا - تقی داوری - سعید دژم‌پور - سعید دلاکی (اودمان) - ذکیه ذوالفقاری - حسن راشدی - سکیته رستم‌پور (سحر خیاوی) - حسین رسولی - جعفر رضوانی مولان - محمد رمضانی - محمد زیدی - موسی ساکت - فرزاد سیفی - ناصر شاطری - جلیل شریانلو - محمد شریف‌پور - وحید شیخ‌بگلو - نسرین صارمی - مانده صالحی‌نژاد (آینار تبریزی) - صمد صباغ - علیرضا صرافی - صحرا صفری - مژگان صیامی - محمد طهماسب‌پور - رضا عباسی - علی اصغر عزیزپور - اللهوردی عظیمی - توکل غنی‌لو - جلیل غنی‌لو - سعید فراغنه - حسین فرخی‌فر - فرانک فرید - یاسین فرید - ناهید قاسمی‌پور - اسد قربانی - حمید قره‌باغی‌زاده - شهزاد قریشی - امیر قمی - بهنام کیانی - جعفر کیوانچهر - صالح گرامی‌فر - توحید لطفی‌پور - روزبه محمدخانی - امیر مختارزاده ماکویی - کمال مرادی - توفیق مرتضی‌پور - عسل ممدوح - وحید منادی - مرجان مناف‌زاده - سید کاظم موسوی - هادی موسی‌زاده - امیر نبی‌زاده - امین نجفیان - بختیار نظامی - عیسی نظری - سعید نعیمی - طاهر نقوی - افراسیاب نوراللهی - مرتضی نورمحمدی - قاسم نومی - امین وندنوروز - حبیب یزدانی - مجید یعقوب‌زاده - بهرام یعقوبی - میر محمود یکانلی

منبع: ایران امروز

<https://www.iran-emrooz.net/index.php/news1/more/107601/>